

محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت

بهمن بنی مهدی^۱

مهدی مراد زاده فرد^۲

محمد جعفر ولیخانی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲

چکیده

مطابق تحقیقات اثباتی حسابداری، محافظه کاری حسابداری به عنوان یک مکانیزم قراردادی کارآمد، می تواند رفتارهای فرصت طلبانه مدیر در بیش نمایی پاداش مبتنی بر سود را محدود نماید. از این رو، این پژوهش رابطه بین محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت را طی یک دوره ۹ ساله از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ در ۱۲۰ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد بررسی قرار داده است. روش تحقیق از نوع همبستگی و با استفاده از رگرسیون چند متغیره انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد رابطه ای منفی میان محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت وجود دارد. هم چنین شواهد پژوهش نشان می دهد پاداش مدیریت رابطه ای مثبت با اندازه شرکت و نسبت سودآوری دارد. اما نتایج این پژوهش رابطه ای معنی دار میان نسبت بدهی و تغییر مدیریت با پاداش مدیریت را تایید نمی نماید.

واژه های کلیدی: محافظه کاری حسابداری، پاداش مدیریت و تئوری نمایندگی.

۱- گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج - کرج، ایران b_banimahd@yahoo.com

۲- گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج - کرج، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات - تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری، نقش غیر قابل انکاری در ارتقای کیفیت اطلاعات صورت های مالی دارند. یکی از ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری، محافظه کاری حسابداری است. ادعا می شود که محافظه کاری حسابداری نقش با اهمیتی در مورد سودمندی اطلاعات برای تصمیم گیری و به ویژه ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر داشته باشد. واتس^۱ (۲۰۰۳) محافظه کاری حسابداری را ویژگی مهمی برای بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری می شناسد. به عقیده او استانداردهای غیر محافظه کارانه حسابداری باعث می شود تا مدیران واحدهای تجاری ارقام حسابداری مثلاً سود را به نفع خود بیش نمایی نمایند تا پاداش بیشتری دریافت کنند. حسابداری اثباتی فرض می کند که محافظه کاری حسابداری بواسطه الزام قابلیت اثبات و تایید بالا برای شناخت درآمد و یا قابلیت اثبات و تایید پایین برای شناخت هزینه در رابطه با قراردادهای پاداش میان سهامداران و مدیران، به وجود آمده است.

از دیدگاه نظری، محافظه کاری حسابداری رفتار جانبدارانه مدیر در شناسایی سود را به تاخیر می اندازد. از این رو، محافظه کاری موجب می شود تا مدیر و سایر گروهها نظیر سهامداران مبالغ کمتری از سود را دریافت نمایند. این موضوع موجب افزایش ارزش شرکت می شود. ارزش افزایش یافته شرکت، میان همه گروههای طرف قرارداد شرکت تقسیم و رفاه هر گروه افزایش می یابد. از این رو، پرسش اصلی این پژوهش آن است که تا چه اندازه محافظه کاری حسابداری بر پاداش مدیریت تأثیرگذار است و اینکه آیا محافظه کاری حسابداری می تواند به عنوان مکانیزم قراردادی موثر در رابطه با نظارت بر عملکرد مدیریت باشد یا خیر؟ افزایش استانداردهای غیر محافظه کارانه از سوی هیئت های تدوین کننده

استانداردهای حسابداری و هم چنین فقدان پژوهش درباره موضوع تحقیق، این انگیزه را در نویسندگان مقاله به وجود آورده است تا اثر محافظه کاری حسابداری بر پاداش مدیریت را به عنوان یک موضوع پژوهشی انتخاب نمایند. هدف این تحقیق آن است که نخست رابطه بین محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت را بررسی نماید. هم چنین هدف دوم این پژوهش آن است تا تحلیلگران مالی، استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، مجامع حرفه ای حسابداری و بورس اوراق بهادار را از رابطه میان محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت آگاه نماید. انتظار می رود نتایج این پژوهش بتواند دستاورد و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد:

اول این که انتظار بر آن است تا نتایج این مقاله موجب بسط مبانی نظری تحقیقات مرتبط با محافظه کاری حسابداری شود. دوم این که نتایج این پژوهش می تواند آگاهی مناسبی درباره مزیت های محافظه کاری حسابداری در اختیار مراجع تدوین کننده استانداردهای حسابداری قرار دهد. سوم این که نتایج پژوهش می تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های جدید در حوزه محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت، پیشنهاد نماید.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- تعریف محافظه کاری

محافظه کاری، حسابداری را الزام به داشتن درجه بالایی از تائید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می نمایند. این تعریف، محافظه کاری حسابداری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می نماید. اما تعریف دیگر، تعریف محافظه کاری حسابداری از دیدگاه ترازنامه است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که

۲-۲- تفسیر قراردادی درباره محافظه کاری حسابداری

بر اساس نظریه کارگزاری، سهامداران واحد تجاری، فردی به نام مدیر را به عنوان نماینده یا کارگزار خود انتخاب و او را در جایگاه مسئول و مأمور ارائه مجموعه ای از خدمات مشخص، قرارداد و اختیار تصمیم گیری نیز به او تفویض می شود. در پی این تفویض اختیار، مدیر ممکن است بواسطه قدرتی که به او تفویض شده است به دنبال حداکثر کردن ثروت و منافع شخصی خود باشد و به گونه ای به بر خلاف منافع سهامداران عمل نماید. بنابراین، اعمال نظارت بر رفتار مدیر ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در این میان تئوری اثباتی حسابداری فرض می نماید که مدیر در گزارش عملکرد خود به اشخاص طرف قرارداد با واحد تجاری (از جمله سهامداران)، جانبدارانه عمل نموده بطوریکه ممکن است اطلاعات و ارقام حسابداری را به نفع خود دستکاری و بیش از واقع نشان دهد. به نظر واتس، محافظه کاری حسابداری می تواند با به تأخیر انداختن شناسایی سود و بواسطه الزام قابلیت تأیید و اثبات خود در شناسایی سود و داراییها، رفتار فرصت طلبانه و جانبدارانه مدیر را در بیش نمایی سود و داراییها محدود نماید. هم چنین اعتقاد بر آن است که محافظه کاری حسابداری می تواند حسابرسان و مدیران واحدهای تجاری را در مقابل دعاوی حقوقی و قضایی علیه آنها، مصون نماید. وی محافظه کاری حسابداری را مکانیزم مؤثری برای رفع تضاد منافع در قرارداد های مختلف میان واحد تجاری و افراد طرف قرارداد آن می داند. به عقیده این پژوهشگر محافظه کاری بواسطه کم نمایی دارایی ها و سود، موجب محدود شدن تقسیم سود، پاداش مدیریت و کاهش هزینه های نمایندگی مرتبط با آن می شود. از این رو محافظه کاری حسابداری را،

تردید واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. تعریف سوم درباره محافظه کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه کاری حسابداری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع تر هزینه، ارزیابی پائین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می شود. در این پژوهش از تعریف سوم برای محاسبه شاخص محافظه کاری استفاده شده است. دسته بندی دیگری برای تعریف محافظه کاری حسابداری ارائه شده است که عبارت است از محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیر شرطی. محافظه کاری شرطی، محافظه کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب و مطلوب. مثلاً کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه کاری شرطی است. به این نوع محافظه کاری، محافظه کاری سود و زیان و یا محافظه کاری گذشته نگر نیز می گویند. اما محافظه کاری غیر شرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، الزام نگردیده است. این نوع محافظه کاری، کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی ها بواسطه رویه های از پیش تعیین شده حسابداری است. این محافظه کاری، به محافظه کاری ترازنامه و یا محافظه کاری آینده نگر نیز معروف است (بنی مهد و باغبانی، ۱۳۸۸).

یکی از مکانیزم‌های موثر در نظریه کارگزاری می‌داند (واتس، ۲۰۰۳).

۳-۲- پیشینه پژوهش

آدت و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی تایید نمودند که پاداش مدیریت با دیدگاه کارایی درباره مدیریت سود، رابطه ای مستقیم دارد. آن‌ها نشان دادند که مدیریت به منظور دریافت پاداش بیشتر، سود را بر مبنای دیدگاه کارایی و نه بر مبنای دیدگاه فرصت طلبانه، مدیریت می‌نماید. اتاماسا و همکارانش^۳ (۲۰۱۲) در ژاپن به این نتیجه رسیدند که محافظه کاری حسابداری با میزان پاداش مدیران رابطه منفی دارد. آنها همچنین دریافتند که این رابطه در موسساتی که پاداش، مضرب بزرگی از سود می‌باشد، بیشتر است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد محافظه کاری حسابداری باعث کاهش پاداش مدیران می‌شود. آینگار و زامپلی^۴ (۲۰۱۰) در تحقیقی به چگونگی تاثیر محافظه کاری حسابداری بر رابطه بین پاداش مدیران اجرایی و سود حسابداری پرداختند. نتیجه تحقیق آنها نشان داد که، محافظه کاری حسابداری بطور قابل توجهی رابطه بین تغییرات در سودها و تغییرات در پاداش را افزایش می‌دهد.

یانثو^۵ (۲۰۰۸) نشان داد هر گاه به مدیران بر اساس شاخص‌های حسابداری نظیر سود پاداش داده شود در آن صورت مدیران برای دریافت پاداش بیشتر ترجیح می‌دهند تا از رویه‌های غیر محافظه کارانه حسابداری استفاده نمایند. او هم چنین نشان داد هرگاه پاداش مدیر بر مبنایی غیر از سود پرداخت شود در آن صورت محافظه کاری شرکتها بیشتر است. وای هو و همکاران^۶ (۲۰۰۹) اثر محافظه کاری بر پیش بینی سود توسط مدیران را بررسی نمودند. آن‌ها نشان دادند، میان پیش بینی سود توسط مدیران و محافظه کاری حسابداری رابطه ای منفی وجود دارد.

آن‌ها نشان دادند محافظه کاری حسابداری می‌تواند، خطای پیش بینی سود توسط مدیران را کاهش دهد و هزینه‌های قضایی و حقوقی علیه آن‌ها را در پیش بینی سود کاهش دهد. رامالینگودا و یو^۷ (۲۰۱۲) نشان دادند که سهامداران نهادی برای کنترل مدیران شرکت در بیش نمایی سود و کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران خواهان استفاده از رویه‌های محافظه کارانه حسابداری هستند. عالم و پتروسکا^۸ (۲۰۱۲) دریافتند در شرکت‌هایی که تقلب رخ داده است، در دوره قبل از تقلب، مدیران از رویه‌های حسابداری غیر محافظه کارانه استفاده می‌نمودند. آن‌ها هم چنین دریافتند که بعد از تقلب، مدیران، به منظور کاهش هزینه‌های مرتبط با دعاوی حقوقی و قضایی به واسطه نظارت بیشتر کمیسیون بورس اوراق بهادار، استفاده از رویه‌های محافظه کارانه حسابداری افزایش داده‌اند. آن‌ها محافظه کاری حسابداری را یک مکانیزم قراردادی موثر برای پیش بینی تقلب توسط مدیران معرفی می‌نمایند. آیاتریدیس^۹ (۲۰۱۱) در پژوهشی افشای حسابداری، کیفیت حسابداری و محافظه کاری شرطی و غیر شرطی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های او نشان می‌دهد شرکت‌هایی که کیفیت افشای بالاتری دارند، سود آوری و نقدینگی بالاتری نیز دارند. شرکت‌هایی که تغییر مدیریت داشته و یا توسط یکی از چهار موسسه بزرگ حسابرسی، مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند، تمایل به کیفیت افشای بالاتری دارند. کیفیت افشای بالاتر موجب مدیریت کمتر سود می‌شود. هم چنین این شرکتها محافظه کاری شرطی بالاتر و محافظه کاری غیر شرطی پایین تری را نشان می‌دهند. یافته‌های او نشان می‌دهد که محافظه کاری شرطی با محافظه کاری غیر شرطی رابطه منفی دارد، بطوریکه محافظه کاری شرطی تمایل به افزایش کارایی قرارداد دارد، در حالیکه محافظه کاری غیر

شرطی ممکن است موجب تسهیل رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت شود.

راچ و تیلور^{۱۱} (۲۰۱۱) با بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه محافظه کاری حسابداری با یافته های متفاوتی درباره سودمندی محافظه کاری حسابداری در ارتقای کیفیت صورتهای مالی مواجه شدند. از جمله آن که محافظه کاری حسابداری، از طریق ایجاد ذخایر حسابداری نظیر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، موجب مدیریت سود می شود. اما از طرف دیگر آن ها به این نتیجه رسیدند که محافظه کاری موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود شفافیت افشاء اطلاعات صورتهای مالی می شود. نتایج پژوهش آن ها نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری می تواند به عنوان یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای جلوگیری از ایجاد تضاد منافع میان مدیران و سهامداران، سهامداران و اعتبار دهندگان بکار آید. تن^{۱۱} (۲۰۱۳) نشان داد هرگاه گزارش های مالی از سوی وام دهندگان مورد استفاده قرار می گیرد و یا زمانی که وام دهندگان به شرکتهای ورشکسته وام اعطا می کنند و افرادی را برای تجدید ساختار شرکت بعد از ورشکستگی منصوب می کنند، در آن صورت محافظه کاری حسابداری افزایش می یابد. نتیجه تحقیق وی بیانگر آن است که هرگاه تامین مالی شرکت از طریق بدهی باشد، در آن صورت تقاضا برای گزارشگری مالی محافظه کارانه افزایش می یابد. لی^{۱۲} (۲۰۱۰) نقش محافظه کاری حسابداری در تصمیمات مالی شرکتها را مورد بررسی قرار داد. او نشان داد که شرکتهای با محافظه کاری حسابداری بالاتر، انعطاف پذیری کمتری را در مدیریت نقدینگی و تصمیمات مربوط به صدور سهام نشان می دهند. بطور کلی نتایج تحقیق او نشان می دهد که اگرچه با استفاده از گزارشگری مالی محافظه کارانه، شرکتها از کاهش هزینه های مربوط به قراردادهای بدهی

بهره مند می شوند، انعطاف پذیری آنها در رابطه با دسترسی به سرمایه، کاهش می یابد و این بر تصمیمات مالی موثر است. چی و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۹) رابطه بین محافظه کاری و نظام راهبری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان می دهد که شرکت های با نظام راهبری ضعیف تمایل دارند که بیشتر محافظه کار باشند. این نتایج مطابق با این دیدگاه است که محافظه کاری می تواند به عنوان یک مکانیزم موثر در نظام راهبری باشد.

هاگرمن و زمیجوسکی^{۱۴} (۱۹۷۹) در ارتباط با توانایی متغیرهای مربوط به هزینه های سیاسی، قراردادهای پاداش و بدهی تحقیق کردند. طبق نتایج تحقیق آنها، مدیران شرکت هایی با پاداش بر مبنای سود برای دریافت پاداش با احتمال بیشتری، رویه های افزایش دهنده سود را بکار می برند. دالی وال و همکاران^{۱۵} (۱۹۸۲) در رابطه با بکارگیری روش های مختلف استهلاک در شرکت هایی با کنترل مالک و شرکت هایی با کنترل مدیر، برای اهداف گزارشگری تحقیق نمودند. نتیجه تحقیق آنان تایید نمود که در صورت وجود پاداش در شرکت هایی با کنترل مدیر، با فرضیه پاداش مدیران، تقریباً همخوانی داشته است. هی لی^{۱۶} (۱۹۸۵) در تحقیق خود نشان داد که مدیران ممکن است در مواقعی که پاداش آنها بر اساس ارقام حسابداری، پرداخت می شود، ارقام حسابداری را دستکاری کنند. او دریافت در شرکتهایی که بر اساس طرح های پاداش، مقرر شده باشد که اگر مدیر سود را به سطح معینی برساند پاداش دریافت خواهد نمود. مدیران ممکن است روش های حسابداری را انتخاب کنند که بواسطه آن پاداش آنها افزایش یابد. همچنین در مؤسساتی که بر اساس طرح های پاداش داشتن حداقل سود برای مؤسسه الزامی نبود، مدیران استراتژی هایی را انتخاب می کردند تا سود آن دوره کاهش ولی سود دوره های بعد افزایش یابد. در

تحقیقی که در سال ۱۹۸۷ توسط مارتین و همکاران او در آمریکا انجام گردید، نشان داده شد مدیرانی که پاداش آنها بر اساس معیارهای مبتنی بر حسابداری نظیر سود پرداخت می‌شد اگر در آستانه بازنشستگی قرار داشتند، تمایلی کمی داشتند تا مخارج تحقیق و توسعه را بر اساس استاندارد حسابداری به حساب هزینه ببرند. اگر چه به هزینه بردن مخارج تحقیق و توسعه در سال اول منجر به افزایش سود در سالهای آتی خواهد شد، اما چون مدیران در آستانه بازنشستگی قرار داشتند، تمایلی به کاهش سود و در نتیجه کاهش پاداش خود نداشتند.

آرورا^{۱۷} (۱۹۹۶) در تحقیقاتی مبنای اندازه‌گیری پاداش مدیران را بررسی و استدلال نمود که وزن نسبی استفاده از ابزار اندازه‌گیری عملکرد در یک قرارداد پاداش مدیریت بستگی به میزان اختلال ذاتی در ابزار اندازه‌گیری عملکرد دارد. قراردادهای پاداش مدیریت به طور عمده بر مبنای اندازه‌گیری اختلال و پارازیت کمتری در ارزیابی عملکرد نسبت به قیمت سهام در بورس دارند.

هارتزل^{۱۸} (۲۰۰۲) در تحقیق خود به بررسی رابطه بین پاداش مدیران و سرمایه‌گذاری نهادی پرداخت. او در این تحقیق نشان داد که حتی پس از کنترل اندازه شرکت، نوع صنعت، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و عملکرد، ساختار مالکیت نهادی با میزان پرداخت بر مبنای عملکرد، دارای رابطه مثبت و با میزان پاداش دارای رابطه منفی است.

ایتنر و پیزینی^{۱۹} (۲۰۰۳) نشان دادند که حساسیت پرداخت پاداش مدیران نسبت به عملکرد، متناسب با افزایش تنوع وظایف، اندازه شرکت و میزان تخصص حرفه‌ای به میزان با اهمیتی افزایش می‌یابد. علاوه بر آن، هر اندازه شرکت بزرگتر باشد، احتمال اختلاف در پاداش مدیران آن با سایر شرکت‌ها بیشتر خواهد بود، زیرا اندازه شرکت بر دقت نظارت و آگاهی دهی

معیارهای سنجش عملکرد تاثیر می‌گذارد. اکانل^{۲۰} (۲۰۰۶) در رابطه با پاداش مدیر اجرایی، تحقیقی ارائه نمود. پرسش تحقیق وی این‌گونه بود که، حساسیت پاداش مدیر اجرایی در سالهای با اخبار خوب و سالهای با اخبار بد چه تفاوتی دارد؟ نتیجه تحقیق نشان داد که تغییرات سود در سالهایی که بازده مثبت است بیشتر بر پاداش مدیران اجرایی تاثیر می‌گذارد تا در سالهایی که بازده منفی است.

رضا زاده و آزاد (۱۳۸۷) رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی را طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و محافظه‌کاری حسابداری است. همچنین طبق نتیجه‌گیری آنها، تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران موجب تغییر در سطح محافظه‌کاری می‌شود. ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) در پژوهشی با هدف تعیین رابطه بین هزینه‌های سیاسی و محافظه‌کاری به این نتیجه رسیدند که، بین اندازه شرکت و شدت سرمایه‌گذاری با محافظه‌کاری یک رابطه منفی و بین درجه رقابت در صنعت و مالکیت دولتی با محافظه‌کاری یک رابطه مثبت وجود دارد. بین نرخ موثر مالیاتی و ریسک با محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود ندارد. مهرانی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی رابطه میان اندازه شرکت و قراردادهای بدهی با محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. آنها دریافتند که رابطه مثبت و معناداری میان بدهی و محافظه‌کاری در دو معیار مبتنی بر ارقام تعهدی و مبتنی بر ارزش بازار وجود دارد. همچنین آنها دریافتند که نمی‌توان میان اندازه شرکت و محافظه‌کاری رابطه منفی و معناداری پیدا کرد. قائمی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی اثر محافظه‌کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سهام پرداختند. آنها دریافتند که پایداری سود

کاری می شود. شرکتهایی که اقدام به مدیریت سود کاهشی می کنند، سود محافظه کارانه تری را گزارش می کنند که نشان دهنده بیش محافظه کاری است. شرکتهایی که از طریق اقلام تعهدی مثبت، به مدیریت سود افزایشی مبادرت می ورزند، محافظه کاری کمتری را در گزارشگری خود اعمال می کنند. ساختار سرمایه بر اندازه محافظه کاری سود تاثیر گذار است. شرکتهایی که در تامین مالی خود بیشتر از حقوق صاحبان سهام استفاده کرده اند، محافظه کاری بیشتری را در اندازه گیری سود اعمال نموده اند. نمازی و سیرانی (۱۳۸۳) با استفاده از تئوری نمایندگی به بررسی ارتباط پاداش مدیران شرکت های ایرانی با سود حسابداری، رشد سود و رشد ارزش افزوده بازار و همچنین به بررسی سازه های مهم در تعیین پاداش مدیران عامل پرداختند. آنان دریافتند که هر چه مدت قرارداد، طولانی تر و ثبات آن بالاتر باشد، موجب افزایش بیشتری در ارزش شرکت خواهد شد و عملاً "اغلب طرح ها و قراردادهای پاداش فعلی مبتنی بر سود حسابداری هستند. خوش طینت و خانی (۱۳۸۲) در تحقیقی مدیریت سود را در قالب چهار فرضیه در رابطه با پاداش مدیران، پیش بینی پاداش و سود، هموار سازی سود و نظارت مراجع قیمت گذاری، مورد آزمون قرار دادند. براساس نتایج تحقیق آنان، مدیران تمایل دارند تا در جهت افزایش پاداش خود به اعمال مدیریت سود در دوره های سود ده و زیان ده شرکت پرداخته و در دوره های سود ده به هموار سازی سود پردازند.

سجادی و زارع زاده مهریزی (۱۳۹۰) در تحقیقی، تاثیر دو متغیر پاداش پرداختی به مدیران و درصد مالکیت سهام آنان بر عملکرد شرکت ها را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که رابطه معنی دار بین پاداش پرداختی به مدیران با معیارهای اقتصادی

در شرکت هایی که سود محافظه کارانه تری گزارش می کنند کمتر است. همچنین آنها دریافتند که نسبت قیمت به سود در شرکت هایی که سود محافظه کارانه تری گزارش می کنند، کمتر می باشد.

لطفی و حاجی پور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان " تاثیر محافظه کاری بر خطای مدیریت در پیش بینی سود " دریافتند که بین محافظه کاری شرکتها و خطای پیش بینی سود آنها رابطه منفی وجود دارد. به عبارتی هر چه میزان محافظه کاری شرکتها بیشتر باشد، سود شرکتها سوگیری کمتری به سمت خوش بینی دارد.

مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۰) با بررسی ارتباط بین محافظه کاری و نظام راهبری شرکتی دریافتند که بین درصد مالکیت نهادی سهام و درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره رابطه مثبت وجود دارد. بین تفکیک وظایف رئیس هیئت مدیره از مدیرعامل با محافظه کاری رابطه منفی وجود دارد. نتیجه کلی تحقیق آنها تایید کننده دیدگاه مکمل در خصوص ارتباط بین محافظه کاری و مکانیزم های راهبری شرکتی می باشد.

بنی مهد و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه میان محافظه کاری حسابداری و بحران مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها دریافتند که شاخص محافظه کاری با بحران مالی شرکتها دارای رابطه معنادار و مستقیم می باشد. همچنین آنها دریافتند که محافظه کاری حسابداری ابزار مناسبی برای خروج از بحرانها در طولانی مدت می باشد.

اعتمادی و فرج زاده (۱۳۹۱) به بررسی تاثیر مدیریت سود و ساختار سرمایه بر محافظه کاری سود پرداختند. این محققان بیان می کنند که مدیریت سود، صرف نظر از افزایشی یا کاهشی بودن آن، بر محافظه کاری سود تاثیر می گذارد و باعث افزایش محافظه

مورد بررسی قرار می‌گیرد و از نظر ماهیت داده‌ها، تحقیق کمی می‌باشد. تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره بر اساس داده‌های ترکیبی انجام و در آن اثرات سال و صنعت لحاظ گردیده است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به هدف و مبانی نظری پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: میان محافظه‌کاری حسابداری و پاداش مدیریت رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه دوم: میان اندازه‌ی شرکت و پاداش مدیریت رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه سوم: میان نسبت بدهی و پاداش مدیریت رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه چهارم: میان سودآوری شرکت و پاداش مدیریت رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه پنجم: میان تغییر مدیریت شرکت و پاداش مدیریت رابطه معنی دار وجود دارد.

۵- متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش، پاداش مدیریت است. این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی مبلغ پاداش مدیریت که در صورت‌های مالی و یا یادداشت‌های توضیحی آن وجود دارد، اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای مستقل

محافظه‌کاری حسابداری، اندازه‌ی شرکت، نسبت بدهی، سودآوری و تغییر مدیریت از جمله متغیرهای مستقل این تحقیق هستند. در ادامه چگونگی اندازه‌گیری این متغیرها توضیح داده می‌شود:

ارزیابی عملکرد نظیر ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده وجود دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از رابطه معنی دار بین درصد مالکیت سهام مدیران با ارزش افزوده بازار و عدم رابطه معنی دار با دیگر معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد مورد بررسی، بوده است.

۳- روش شناسی پژوهش

نمونه آماری پژوهش حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این نمونه شامل شرکت‌هایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

۱) شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۸۲ مورد پذیرش قرار گرفته باشند.

۲) به جهت همسانی تاریخ گزارشگری و حذف اثرات فصلی دوره مالی منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

۳) به دلیل نوع خاص فعالیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مالی، شرکت مورد نظر جزء این نوع شرکت‌ها نباشد.

۴) شرکت مورد نظر طی دوره تحقیق فعالیت مستمر داشته باشد.

با توجه به مجموعه شرایط فوق، تنها ۱۲۰ شرکت (شامل ۱۰۷۴ سال- شرکت مشاهده) در دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۰ شرایط فوق را دارا بوده و لذا به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. صورتهای مالی شرکت‌های فوق از پایگاه اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران اخذ شده است. این تحقیق از آن جهت که از منابع و صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس استفاده می‌کند از جمله تحقیقات کتابخانه‌ای می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است. این تحقیق از حیث چگونگی مطالعه و گرد-آوری اطلاعات از جمله تحقیقات توصیفی - مشاهده‌ای از نوع همبستگی می‌باشد که ارتباط بین متغیرها،

محافظه کاری حسابداری

در پژوهش حاضر برای اندازه گیری شاخص محافظه کاری حسابداری، از مدل گیولی و هین^{۲۱} (۲۰۰۰) استفاده شده است. شاخص محافظه کاری بر اساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می شود:

$$(1) * [\text{جمع دارایی ها در اول دوره} / \text{اقلام تعهدی عملیاتی}] = \text{محافظه کاری حسابداری}$$

اقلام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص عملیاتی و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک به دست می آید. به عقیده گیولی و هین، رشد اقلام تعهدی می تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در طول یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه کاری کاهش می یابد و بر عکس. از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه کاری، اقلام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می شود. در این تحقیق بعد از محاسبه شاخص محافظه کاری از میانگین این شاخص در چهار سال گذشته استفاده شده است. دلیل انتخاب مدل بالا برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری به قرار زیر است:

الف) مدل های موجود برای اندازه گیری محافظه کاری از جمله مدل باسو که در برخی از پژوهش های داخلی و خارجی نیز به طور گسترده از آن استفاده شده است، در اندازه گیری محافظه کاری با خطای زیادی مواجه هستند مثلاً مدل باسو فرض می کند که هر گاه بازده سهام منفی باشد این موضوع ناشی از محافظه کاری حسابداری است در حالی که در بازار سرمایه ایران، منفی شدن بازده سهام ناشی از اطلاعات غیر حسابداری است تا اطلاعات حسابداری.

ب) اطلاعات مدل مورد استفاده این پژوهش، مبتنی بر اطلاعات حسابداری است و در آن از شاخص های بازار استفاده نمی شود. با توجه به دسترسی به اطلاعات صورتهای مالی، برای اندازه گیری محافظه کاری نهفته در صورتهای مالی، این مدل نسبت به سایر مدل ها برای بازارهای در حال توسعه نظیر بازار سرمایه ایران، مناسب تر است.

اندازه شرکت: عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع دارایی های هر شرکت در هر سال

نسبت بدهی: عبارت است از نسبت جمع بدهی ها به جمع دارایی های هر شرکت در هر سال

سود آوری: عبارت است از نسبت سود خالص به جمع دارایی های هر شرکت در هر سال

تغییر مدیریت: یک متغیر مصنوعی است که با یک و صفر نشان داده می شود. اگر مدیر عامل یا اعضای هیئت مدیره شرکتی در یک سال تغییر یافته باشند، در آن صورت مقدار آن یک و در غیر آن صورت مقدار آن صفر است.

۶- نتایج پژوهش

۱-۶- آمار توصیفی

آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق به شرح جدول شماره ۱ می باشد. در این جدول، میانگین متغیرهای کمی تحقیق آورده می شود.

جدول شماره ۱: آماره های توصیفی متغیرهای کمی تحقیق

شاخص سود آوری	نسبت بدهی	محافظه کاری حسابداری	پاداش مدیریت	جمع دارایی ها	
۰/۱۵۰۲۸۹	۰/۶۷۰۴۹	۰/۰۰۲۲۷۲	۵۱۲/۰۵۵۹	۲۲۵۱۸۸/۳۵	میانگین
۰/۱۲۴۰۴۹	۰/۶۶۴۱	-۰/۰۰۲۹۶۴	۴۶۶/۰۰۰۰	۳۳۷۰۱۸/۵۰	میانه
۰/۱۶۳۱۶۲۵	۰/۳۱۲۸	۰/۲۱۷۱۰۱۴	۳۶۵/۶۱۸۰۶	۲۵۰۷۰۹۳۱/۶۶۸	انحراف معیار
-۰/۳۲۷۴	۰/۰۶۱۹	-۴/۹۷۶۹	۶/۲۵	۱۰۵۷۸	حداقل
۲/۷۹۰۳	۲/۹۰۵۲	۲/۴۵۹۷	۴۰۵۵/۵۰	۸۰۳۰۶۷۵۲۸	حداکثر

جدول شماره ۲: آزمون فرضیه ها

متغیرها	ضرایب	آماره T	سطح معنی داری	آماره های هم خطی	
				تولرانس	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ	۱/۸۵۱	۵/۱۴۶	۰/۰۰۰	-	-
محافظه کاری حسابداری	-۰/۷۶۱	-۳/۲۰۲	۰/۰۰۱	۰/۵۱۳	۱/۹۴۸
اندازه شرکت	۰/۳۴۰	۱۳/۲۶۴	۰/۰۰۰	۰/۷۲۲	۱/۳۸۵
نسبت بدهی	۹/۲۳۵	۱/۲۵۹	۰/۲۰۹	۰/۹۴۲	۱/۰۶۱
شاخص سودآوری	۱/۳۷۲	۵/۹۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶۴	۲/۱۵۷
تغییر مدیریت	-۶/۹۱	-۰/۷۲۰	۰/۴۷۲	۰/۵۵۵	۱/۸۰۱
تعدیل شده R2	۰/۴۵۶				
F آماره	۲۱/۱۱۲		۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسن	۱/۶۴۱				

۲-۶- آزمون فرضیه

مستقیم با پاداش مدیریت دارد. هر گاه سودآوری شرکتها افزایش یابد، پاداش مدیریت نیز افزایش خواهد یافت. بقیه متغیرهای مستقل یعنی نسبت بدهی و تغییر مدیریت شرکتها رابطه ای معنی دار با پاداش مدیریت ندارند.

نتایج آزمون فرضیه در جدول شماره ۲ آورده شده است. با توجه به این جدول می توان اظهار داشت محافظه کاری حسابداری رابطه ای منفی و معکوس با پاداش مدیریت در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد، یعنی اگر محافظه کاری حسابداری افزایش یابد، پاداش مدیریت کاهش خواهد یافت. از میان متغیرهای مستقل دیگر اندازه شرکت و سود آوری با پاداش مدیریت رابطه معنی دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند. اندازه شرکت رابطه ای مستقیم با پاداش مدیریت دارد. یعنی هر چه اندازه شرکت افزایش یابد پاداش مدیریت نیز افزایش می یابد. همچنین سود آوری شرکت رابطه ای مثبت و

۳-۶- مدل پاداش

در این قسمت با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه، آزمون مربوط به تدوین مدل پاداش مدیریت برای کل شرکتهای نمونه آماری، انجام می شود. در بخش آزمون فرضیه مشخص شد که محافظه کاری حسابداری، اندازه ی شرکت و سود آوری با پاداش مدیریت رابطه معنی دار دارند و بر آن تاثیر گذار

است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره ۴ آورده شده است. از آن جایی که سطح معنی داری متغیر وابسته برابر ۵/۵ درصد یعنی بیشتر از ۵ درصد است، لذا متغیر وابسته از توزیع نرمال برخوردار است. مقادیر باقی مانده در خط رگرسیون نیز دارای توزیعی نرمال هستند.

جدول شماره ۳: آزمون نرمال بودن

مقادیر باقی مانده	پاداش مدیریت	آماره کولموگوروف-اسمرینف
۱/۲۷۵	۱/۳۳۹	۰/۰۵۵
۰/۰۶۲	۰/۰۵۵	سطح معنی داری

۵-۶- هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل

معمولاً هم حرکتی و یا هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود دارد. اما اگر این هم خطی زیاد باشد، مناسب مدل نخواهد بود. در این تحقیق هم حرکتی میان متغیرها حد نیست. میزان نوسانات هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۴: همبستگی میان متغیرهای مستقل

تغییر مدیریت	شاخص سودآوری	نسبت بدهی	اندازه شرکت	محافظه کاری حسابداری	ضریب همبستگی پیرسون
-۰/۰۲۹	۰/۳۹۴	-۰/۰۳۴	۰/۰۵۶	۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۳۴۸	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶	۰/۰۶۶		سطح معنی داری
۱۰۷۴	۱۰۷۴	۱۰۷۴	۱۰۷۴	۱۰۷۴	تعدادمشاهده
۰/۱۳۳	-۰/۰۱۶	-۰/۰۵۴	۱		ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۶۰۰	۰/۰۷۸			سطح معنی داری
۱۰۷۴	۱۰۷۴	۱۰۷۴	۱۰۷۴		تعدادمشاهده
۰/۰۰۷	-۰/۲۰۲	۱			ضریب همبستگی پیرسون
۰/۸۱۲	۰/۰۰۰				سطح معنی داری
۱۰۷۴	۱۰۷۴	۱۰۷۴			تعدادمشاهده
-۰/۰۱۲	۱				ضریب همبستگی پیرسون
۰/۶۹۰					سطح معنی داری

هستند. در جدول شماره ۲ مقادیر ضرایب هر یک از متغیرها آورده شده است. با توجه به این مقادیر مدل زیر برای تبیین پاداش مدیریت ارائه می شود:

$$EC = 1/851 - 0/761 \text{ CONS} + 0/340 \text{ SIZE} + 1/372 \text{ ROA} + \varepsilon$$

که در آن:

EC = پاداش مدیریت هر شرکت در هر سال

CONS = شاخص محافظه کاری حسابداری هر شرکت در هر سال

SIZE = اندازه شرکت که عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع دارایی های هر شرکت در هر سال

ROA = نسبت سود آوری که عبارت است از نسبت سود خالص به جمع دارایی های هر شرکت در هر سال

سال

ε = میزان خطای مدل

۴-۶- آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته و

مقادیر باقی مانده

نرمال بودن توزیع متغیر وابسته یکی از مفروضات اساسی روش همبستگی محسوب می شود. در اینجا از طریق آزمون کولموگوروف-اسمرینف، نرمال بودن متغیر وابسته در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته

تغییر مدیریت	شاخص سودآوری	نسبت بدهی	اندازه شرکت	محافظة کاری حسابداری	تعدادمشاهده
	۱۰۷۴				تعدادمشاهده
تغییر مدیریت				ضریب همبستگی پیرسون	
				سطح معنی داری	
	۱۰۷۴			تعدادمشاهده	

۷- نتیجه‌گیری و بحث

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر پاداش مدیریت عبارتند از: محافظه کاری حسابداری، اندازه شرکت و نسبت سودآوری که اندازه شرکت و سودآوری رابطه مثبت و مستقیم با پاداش مدیریت و محافظه کاری حسابداری رابطه منفی با پاداش مدیریت دارند. براساس مدل بدست آمده، محافظه کاری حسابداری بیشترین رابطه منفی (۷۶/۱ درصد) را با پاداش مدیریت دارد. این موضوع با نظریه واتز و زیمرمن (۱۹۸۶) مبنی بر اینکه محافظه کاری حسابداری بواسطه الزام قابلیت اثبات و تایید بالا برای شناخت درآمد و یا قابلیت اثبات و تایید پایین برای شناخت هزینه در رابطه با قراردادهای پاداش میان سهامداران و مدیران، به وجود آمده است، سازگار می‌باشد. هم چنین نتایج این پژوهش با پژوهش اتاماسا و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر وجود رابطه منفی میان محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیران، مطابقت دارد. به بیان دیگر، محافظه کاری حسابداری با تسریع در شناخت زیان و نیز با تاخیر در شناخت سود، موجب کاهش سود شرکت‌ها می‌گردد. کاهش سود بواسطه افزایش محافظه کاری حسابداری منجر به کاهش پاداش مدیریت خواهد شد. هم چنین، پاداش مدیریت، بیشترین رابطه مثبت (۱۳۷/۲ درصد) را با نسبت سودآوری شرکت دارد که نشانگر این موضوع است که اگر یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد مدیران شرکت‌ها، میزان سود کسب شده توسط آنان باشد، و

آن به عنوان معیاری برای پرداخت پاداش به مدیران قلمداد گردد، بنابراین با توجه به رابطه مستقیم میان سودآوری و پاداش مدیریت، می‌توان نتیجه گرفت که سودآوری بالا باعث افزایش مبالغ مربوط به پاداش مدیریت خواهد شد. رابطه میان اندازه شرکت و پاداش مدیریت، مثبت و مستقیم به میزان ۳۴ درصد بوده که نشان دهنده این موضوع است که، چون شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک توان سودآوری بالاتری دارند و نیز از آنجایی که معمولاً پاداش مدیریت براساس سود پرداخت می‌گردد، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌های بزرگ به دلیل کسب سود بیشتر، توانایی پرداخت پاداش بیشتری را نیز دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه ای میان نسبت بدهی و تغییر مدیریت شرکت‌ها با پاداش مدیریت وجود ندارد.

بر اساس نتیجه بدست آمده از پژوهش مبنی بر اینکه بین محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت ارتباط منفی و معکوس وجود دارد، توجه مراجع تدوین کننده استانداردهای حسابداری به تدوین استانداردهای حسابداری محافظه کارانه برای کاهش رفتارهای فرصت طلبانه از جمله پرداخت پاداش بیشتر جلب می‌نماید. در غیاب تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت در اقتصاد کشور و فقدان سازوکارهای مناسب و کافی برای نظارت و ارزیابی وظیفه مباشرت مدیران واحدهای اقتصادی، استانداردهای محافظه کارانه حسابداری می‌تواند تا

حدودی به هدف ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر کمک نماید.

فهرست منابع

- * ابراهیمی کردلر ، علی؛ شهریاری ، علیرضا ؛ ۱۳۸۸ ؛ بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی و محافظه کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران ؛ فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی ؛ دوره ۱۶ ، شماره ۴
- * اعتمادی ، حسین ؛ فرج زاده دهکردی ، حسن ؛ ۱۳۹۱ ؛ تاثیر مدیریت سود و ساختار سرمایه بر محافظه کاری سود ؛ تحقیقات حسابداری و حسابرسی ؛ شماره ۱۳
- * بنی مهد ، بهمن ؛ باغبانی ، تهمینه ؛ (۱۳۸۸) ؛ اثر محافظه کاری حسابداری ، مالکیت دولتی ، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت ، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی ، شماره ۵۸ ، صص ۵۳ الی ۷۰
- * بنی مهد ، بهمن ؛ نیکومرام ، هاشم ؛ اسلامی بیدگلی ، غلامرضا ؛ میرسپاسی ، نیلوفر ؛ ۱۳۹۰ ؛ "محافظه کاری حسابداری و بحران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران" ؛ دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۹
- * خوش طینت ، محسن ؛ خانی، عبدالله؛ (۱۳۸۲) ؛ "مدیریت سود و پاداش مدیران : مطالعه ای جهت شفاف سازی اطلاعات مالی" ، فصلنامه مطالعات حسابداری ، شماره ۳
- * رضازاده ، جواد ؛ آزاد ، عبدا... ؛ ۱۳۸۷ ؛ رابطه بین تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی؛ فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی ؛ شماره ۵۴
- * سجادی ، سید حسین ؛ زارع زاده مهریزی، محمد صادق؛ (۱۳۹۰)؛ "بررسی رابطه بین طرح های
- پاداش مدیران و معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" ، پژوهش های حسابداری مالی ، سال ۳ ، شماره ۴
- * قائمی ، محمد حسین؛ ودیعی ، محمدحسین؛ حاجی پور، میثم؛ ۱۳۸۹ ؛ تأثیر محافظه کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود (P/E)، دانش حسابداری، سال ۱، شماره ۲، صص ۵۵-۷۳
- * لطفی ، احمد ؛ حاجی پور ، میثم ؛ ۱۳۸۹ ؛ تاثیر محافظه کاری بر خطای مدیریت در پیش بینی سود ؛ مجله حسابداری مدیریت ؛ شماره ۳ (۴)
- * مرادزاده فرد ، مهدی ؛ بنی مهد ، بهمن ؛ دیندار یزدی ، مهدی ؛ ۱۳۹۰ ؛ بررسی رابطه بین محافظه کاری و نظام راهبری شرکتی در بورس اوراق بهادار تهران ؛ مجله حسابداری مدیریت ؛ شماره ۴ (۸)
- * مهرانی ، کاوه؛ وافی ثانی، جلال؛ حلاج، محمد؛ ۱۳۸۹ ؛ "رابطه قراردادهای بدهی با اندازه شرکت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران"؛ بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۵۹، صص ۹۷-۱۱۲
- * نمازی ، محمد ؛ سیرانی ، محمد ؛ (۱۳۸۳) ؛ "بررسی تجربی سازه های مهم در تعیین قراردادهای شاخص ها و پارامترهای پاداش مدیران عامل شرکت ها در ایران" ؛ بررسی های حسابداری و حسابرسی ، شماره ۳۶ ، صص ۶۵ الی ۹۴
- * Adut, D Holder , A., and Robin, A.,(2013) Predictive versus opportunistic earnings management, executive compensation, and firm performance, J. Account. Public Policy 32 PP.126-146
- * Alam , P., and Petruska(2012) Conservatism, SEC investigation, and fraud, J. Account. Public Policy 31 PP. 399-431

- * Shota Otomasa- Excess executive compensation and demand for accounting conservatism-Research Institute For Economic and Business Administration Kobe University (2012) 1-50
- * Tan L., (2013) Creditor control rights, state of nature verification, and financial reporting conservatism , Journal of Accounting and Economics 55 PP. 1–22
- * Wai Hui ,K. , Matsunaga ,S., SteveMatsunaga and Morse D.,(2009) The impact of conservatism on management earnings forecasts, Journal of Accounting and Economics, Vol. 47 PP. 192–207
- * Watts, R.L. 2003a. Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. Accounting Horizons 17 (3) (Sep): 207.
- * Watts, R.L., and Zimmerman, J.I., 1986, Positive accounting theory, prentice Hall.
- * [Yantu](#), W., (2008) Accounting conservatism and the structure of CEO compensation, Hong Kong Polytechnic University
- * Arora, Alka "Executive Compensation Contracts and Earnings Response Coefficients", (Kent State University, 1996).
- * Chi,W. Liu,CH. and T, Wang.2009. What affects accounting conservatism: A corporate governance perspective . Journal of Contemporary Accounting & Economics.5(1):47.
- * Dhaliwal,D., G. Salamon , And E. Smith , 1982, "The effect of Owner Versus Management Control on the Choice of Accounting Method , " Journal of Accounting and Economics 4, 41-53.
- * Givoly, D., and C. Hayn. 2000. The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? Journal of Accounting & Economics 29 (3) (Jun): 287.
- * Hagerman, R.L., M. Zmijewski, 1979, "some Economic Determinants of Accounting Policy Choice", Journal of Accounting and Economics.1. 141-161.
- * Hartzell. Jay C. (2002). "Institutional Investors and Executive Compensation", Working Paper, University of Texas.
- * Healy, P., 1986, "the Impact of Bonus Scheme on the Selection of Accounting Principles" , Journal of Accounting and Economics 7.
- * Iatridis,G .2011. Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. International Review of Financial Analysis . 20(2)(Apr):88
- * Ittner. C. D. and M. Pizzini. (2003). "Performance Based Compensation In Professional Service Firms", Working Paper, The University of Pennsylvania.
- * Iyengar, R., and E. Zampelli. 2010. Does accounting conservatism pay? Accounting and Finance50 (1) (Mar): 121.
- * Lee, J. 2010. The Role of Accounting Conservatism in Firms' Financial Decisions. Working Paper, Northwestern University
- * O'Connell, V. 2006. The impact of accounting conservatism on the compensation
- * Ramalingegowda, S., and Yu , Y., (2012) Institutional ownership and conservatism, Journal of Accounting and Economics Vol. 53 , PP. 98–114
- * Ruch,G. and G ,Taylor.2011. Accounting Conservatism and its Effects on Financial Reporting Quality: A Review of the Literature.SSRN

یادداشت‌ها

- ¹ -Watts
- ² - Adut et al.
- ³ - Shota Otamasa & et.al
- ⁴ - Iyengar & Zampelli
- ⁵ - [Yantu](#)
- ⁶ - Wai Hui et al.
- ⁷ - Ramalingegowda and Yu
- ⁸ - Alam and Petruska
- ⁹ - Iatridis
- ¹⁰ - Ruch and Taylor
- ¹¹ - Tan
- ¹² - Lee
- ¹³ - Chi et al
- ¹⁴ - Hagerman and Zmijewski
- ¹⁵ - Dhaliwal et al
- ¹⁶ - Healy
- ¹⁷ - Arora
- ¹⁸ - Hartzell
- ¹⁹ - Ittner and Pizzini
- ²⁰ - O'Connell
- ²¹ - Givoly and Hyan